



شقی‌ترین افراد از زبان آیت‌الله ملاحسینی‌قلی همدانی

مرحوم آیت‌الله ملاحسینی‌قلی همدانی از علمای قرن گذشته می‌گفت: شقی‌ترین افراد، آن کسی است که شب‌های قدر را هم به غفلت و گناه بگذرانند.

خبرگزاری فارس: مرحوم آیت‌الله ملاحسینی‌قلی همدانی از علمای قرن گذشته می‌گفت: شقی‌ترین افراد، آن کسی است که شب‌های قدر را هم به غفلت و گناه بگذرانند.

به گزارش خبرگزاری فارس، آیت‌الله روح‌الله قرهی، مدیر حوزه علمیه امام مهدی (عج) حکیمیه تهران به مناسبت ماه رمضان، به شرح و تفسیر دعای ابوحمزه ثمالی می‌پردازد که قسمت بیست و یکم آن در پی می‌آید.

پروردگار عالم به قدری بندگان را دوست دارد که ولو به لحظه‌های جدایی انسان از خودش را نمی‌پسندد و حسب روایات شریفه و آنچه اولیاء الهی تبیین کردند، گناه یعنی دور شدن از حبّ پروردگار عالم و جواب منفی دادن به آن.

پروردگار عالم به قدری به بندگان عشق دارد که بالاترین مسندی را که متعلق به ذات احدیّت است، به انسان تقدیم کرد و آن سجده است. طوری که ملائکه متعجب شدند ولی اطاعت کردند اما ابلیس که شش هزار سال عبادت کرده بود، متحیر ماند.

لذا اولیاء خدا در باب سجده اینطور بیان کردند که سجده بر انسان؛ دلالت بر حبّ شدید نسبت به بندها است. اما مع‌الأسف این انسان علیرغم این که سجده متعلق به او شد و پروردگار عالم او را خلیفه خود خطاب کرد «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً«؛ از خدا دور شد.

علت بشیر و نذیر بودن انبیاء عظام، حبّ پروردگار عالم به انسان

پروردگار عالم به انحاء مختلف به انسان هشدار داد و فرمود: ای انسان! مواظب باش! مراقب باش! حتی برای این که او را از دوری خودش بترساند، فرمود: شیطان دشمن من و دشمن شماست «عَدُوٌّ وَعَدُوٌّ«؛ انذارها و بشارتها را از طریق انبیاء عظام و کتب الهی‌اش به انسان‌ها تبیین فرمود.

بعضی از عرفای عظیم‌الشأن یک تعبیر بسیار عالی و زیبایی را نسبت به بشیر و نذیر بودن انبیاء عظام بیان فرمودند. می‌فرمایند: این که پروردگار عالم به انبیا خود عنوان بشیر و نذیر داده است، به خاطر یک مطلب است که انسان‌ها بدانند خدا به واسطه انذار و بشارتش می‌خواهد اعلان کند: ای انسان! من تو را دوست دارم. ای انسان! من تو را یله و رها نگذاشتم.

کما این که همان بدو هبوط حضرت آدم اینگونه بیان فرمود: «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ تَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَخُوفُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ«، صورت ظاهر هبوط پدر و مادر ماست اما به واسطه هبوط آن دو بزرگوار، هبوط همه انسان‌هاست.

فرمودند: من شما را یله و رها نمی‌گذارم، برای شما هادی می‌فرستم اما اگر شما از هدایتگر تبعیت کردید، خوف و حزنی بر شما نیست.

انسان؛ تنها دردانه خلقت که متعلق به احدیّت است

لذا آن هادیان الهی را بشیر و نذیر قرار داده است تا انسان‌ها از خودش دور نگردند. چون تنها ما هستیم که متعلق به خودش هستیم، در حدیث قدسی فرمود: «خُلِقَتِ الْأَشْيَاءُ لِاجْلِكَ وَخُلِقْتَ لِاجْلِی«؛ همه اشیاء را، عرشم را، فرشم را، هر آنچه را که بین زمین و آسمان هست، برای تو خلق کردم اما تو را برای خودم!

تنها دردانه خلقت که متعلق به احدیّت است، انسان است. حتی ملائکه هم متعلق به ذوالجلال و الاکرام نیستند.

شب قدر و هبوط فوج فوج آسمانیان به زمین

ملائکه هم متعلق به انسان هستند. دلیلش همین شب قدر است، «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ«؛ این ملائکه و روح نازل می‌شوند. یکی از علل آن این است که زمین، مرکز نور می‌گردد «لَيْلَةُ الْقَدْرِ« و همه مقدرات خلقت، به دست حجت خدا رقم می‌خورد و

امضاء می‌گردد و ملائکه هم باید مقدراتشان به دست حجت خدا رقم بخورد.

امشب زمین غوغایی است! غوغا! محشر است! فوج فوج ملک! فوج فوج آسمانیان هبوط به زمین پیدا می‌کنند. امشب نور است! نور! فوق کل نور! آن نوری که همه چیز از زمین نشأت گرفته می‌شود. چون حجت خدا و خلیفه‌الله بر روی زمین است.

شرط تعلق تمام اشیاء به انسان

لذا ملک هم متعلق به انسان است، هر شیئی متعلق به انسان است. ذوالجلال و الاکرام بی‌نیاز مطلق است، اگر بگوییم: ملک نبود نعوذبالله، نستجیرالله، کار ذوالجلال و الاکرام پیش نمی‌رفت؛ این با احدیت و صمدیت خدا به هیچ عنوان سازگاری ندارد. خدا، آن خدایی است که خود فرمود: «کن فیکون«، بشو، می‌شود.

تازه اولیاء خدا فرمودند - که صحیح هم فرمودند - : تمثیل «کن فیکون« برای این است که ما بفهمیم و إلا اراده ذوالجلال و الاکرام، اراده حکمتیه هست و بلافاصله آن اراده، خلق است. خلقت در اراده است و نیاز به «کن فیکون« نیست. اما «کن فیکون« برای تفهیم به انسان است.

او نیازی به ملک ندارد که ملک بخواهد امور آسمان‌ها را بگذراند. همه متعلق به انسان است. آن شوکت جلالیه ذوالجلال و الاکرام برای این است که به انسان بگوید: ای انسان! این همه شوکت، جلال، جبروت و عظمت من را ببین، همه در اختیار توست؛ چرا؟ چون تو خلیفه من هستی، «ای جاعل فی الارض خلیفه«.

همه این شوکت، جلال، جبروت و عظمت در اختیار توست، به شرط آن که تو انسان باشی؛ همان انسانی که فرمود: «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم«.

ای احسن! تو اسفل شدی

وقتی انسان هبوط پیدا کرد، مع‌الأسف مقام اصلی خودش (انسانیت) را گم کرد. نفس اماره، این نفس دون با شیطان بیرونی، ابلیس ملعون که خود فرمود: «عدوی و عدوکم« و لشکریانش که باز خود فرمود: «من الجنة و الناس«، همه و همه کاری کردند که انسان از مقام خودش پایین آمد. تا چه حد پایین آمد؟

درد است! درد! درد! «ثم ردناه اسفل السافلین«، او که احسن بود، باب افع‌ال‌التفضیل است؛ یعنی برترین بود، آنقدر پایین آمد که پست‌ترین شد! طوری که قرآن کریم و مجید الهی بیان فرمود: می‌خواهید بگویم اسفل تا کجاست؟ «کالانعام بل هم اضل«.

اولیاء گفتند: خداوند این کاف تشبیهه را در «کالانعام بل هم اضل« قرار داد تا اهانت به حیوان نشود!!!

محبوب ترین بندگان در نزد خدا

حالا خدا می‌خواهد این را برگرداند. به واسطه حبّی که به انسان دارد، حتی از او که «کالانعام بل هم اضل« شده هم دست بر نمی‌دارد. لذا مواقعی را قرار می‌دهد که او را برگرداند.

از جمله خودش به لسان خاتم رسل، محمد مصطفی(صلی الله علیه و آله و سلم) بیان فرمود: «يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: إِنَّ أَحَبَّ الْعِبَادِ إِلَيَّ الْمُتَحَابُّونَ مِنْ أَجَلِي، الْمُتَعَلِّقَةُ قُلُوبُهُمْ بِالْمَسَاجِدِ وَ الْمُسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ أُولَئِكَ إِذَا أَرَدْتُ بِأَهْلِ الْأَرْضِ عِقَابًا ذَكَرْتُهُمْ فَصَرَفْتُ الْعِقَابَ عَنْهُمْ«، پروردگار عالم می‌فرماید: محبوبترین بندگان من ...

1. آن کسانی هستند که به خاطر من به دیگران حبّ بورزند. لذا اولین مورد دوستی و رفات بین بندگان است تا از خون و خونریزی که کار ابلیس ملعون است، جلوگیری شود. پس آنهایی که مثل یهود و صهیونیسم جهانی در عالم خونریزی می‌کنند؛ طبق فرمایش خود خدا، دشمن خدا هستند.

2. آن کسانی هستند که قلبهایشان برای مساجد و جایگاههای سجده است؛ یعنی به خدا و عبادت عشق می‌ورزند.

3. آن کسانی هستند که در سحرگاهان به استغفار خدا مشغول هستند.

حال، اینها چه کسانی هستند؟ اینها کسانی هستند که اگر من برای اهل زمین به واسطه گناهانشان، عقوبتی را اراده کنم و بخواهم آنها را عذاب کنم؛ وقتی به یاد آنها می‌افتم، عذاب را برطرف می‌کنم - کسانی که باورشان نمی‌شود یک عده اولیاء خدا هستند که خداوند به واسطه آنها عذاب را برمی‌دارد، به این روایت شریفه خوب دقت کنند -

علت حضور انسان ها در مراسم لیالی قدر

خدا، آن مرد الهی، حاج شیخ جعفر مجتهدی (اعلی الله مقامه الشریف) را رحمت کند. آیت‌الله سید عباس ابوترابی، پدر مرحوم سید علی‌اکبر ابوترابی، آن مرد مبارز و آن آزاده بسیار معظم که هر دو با هم غریق رحمت الهی شدند، به نقل از ایشان بیان می‌کردند: حاج شیخ جعفر می‌فرمود: پروردگار عالم سحرگاهان را چون عنوان حبّ قرار داد و می‌خواهد بندگان همین حال را پیدا کنند، شب قدر همه بندگان را به انهای می‌کشاند.

لذا می‌بینید یک عده امکان دارد که در طیّ سال مع‌الأسف در مسجد و مجالس دعا و ذکر نیابند اما شب قدر می‌گویند: هر طوری هست باید برویم، امشب مقدرات رقم می‌خورد. لذا می‌آیند و عبادت و دعا می‌کنند.

ایشان فرموده بود: پروردگار عالم می‌خواهد که بندگان ببینند تا اگر عذابی مقدّر است، به واسطه این دست بردن به سوی آسمان و اشک و ناله و انابه و توبه و استغفار، آن عذاب‌ها را بردارد.

چون خدا محبّین خود را به واسطه استغفار می‌شناسد و می‌خواهد حبّش را به بندگان دیگرش هم اعلان کند که ای بنده من! هم من تو را دوست دارم و هم تو، من را؛ لذا دل شب، آن هم سحرگاهان لیل‌القدر انسان‌ها را می‌کشاند تا آنها ببینند ناله، استغفار و دعا کنند. برای همین اصلاً معلوم نکرد که شب قدر چه موقع است.

شب قدر و آمرزش گناهانی به عدد ستارگان و به سنگینی کوه ها و به وسعت دریاها

حضرت امام محمد باقر (صلوات الله و سلامه علیه) فرمودند: «مَنْ أَحْيَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ وَلَوْ كَانَتْ ذُنُوبُهُ عَدَدَ نَجُومِ السَّمَاءِ وَمَتَاقِيلِ الْجِبَالِ وَمَكَايِيلِ الْيَحَارِ، کسی که شب قدر را احیا بگیرد و زنده نگاه دارد گناهانش آمرزیده می‌شود. اگر چه گناهانش به عدد ستارگان آسمان و به سنگینی کوه‌ها و به وسعت دریاها باشد.

- نامش هم احیاء است اما مع‌الأسف بعضی‌ها اینگونه تبلیغ می‌کنند که در اوّل شب قرآنی بر سر بگذارند و بعد بخوابند. در حالی که اصلاً احیاء و شب زنده‌داری «حتی مطلع الفجر» است و چقدر هم خدا، جمعیت را دوست دارد. اصلاً خدا به انبیا خودش گفته که هر وقت می‌خواهد عذابی نازل کند، همه بیرون بیایند و با حالت زار گریه کنند - از حضرت امام محمد باقر (صلوات الله و سلامه علیه) سؤال کردند: چرا سه شب به عنوان شب قدر قرار داده شده است؟ حضرت فرمودند: به خاطر این که پروردگار عالم بندگان را دوست دارد، او حبّ را اراده می‌کند و حبّ در دل شب است.

حضور بیماران در مراسم لیالی قدر

شیخ طوسی (اعلی الله مقامه الشریف)، آن آیت عظمی روایتی را نقل می‌کند که «كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَرِيضًا مُذِنِفًا فَأَمَرَ فَأُخْرِجَ إِلَى مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَكَانَ فِيهِ حَتَّى أَصْبَحَ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، حضرت به شدت مریض بودند ولی با این حال تا صبح شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان در مسجد بودند. به نظر این روایت می‌خواهد بیان کند: حضرت از شب نوزدهم تا صبح شب بیست و سوم به حالت اعتکاف در مسجد بودند با این که سخت مریض بودند.

لذا ای کاش مریضانی را هم که در بیمارستان‌ها هستند و خیلی وضع بدی ندارند، به مراسم لیالی قدر بیاورند.

تعیین مقدرات به واسطه خود انسان

خدا اینطور دوست دارد حبّش را به بندگان نشان دهد و می‌خواهد تعیین مقدرات انسان را در دل شب به واسطه خود انسان قرار دهد.

خداوند در آیات سوم و چهارم سوره دخان می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ، این کتاب مبین را در شبی پربرکت نازل کردیم - اصلاً این شب را مبارک قرار داده است - و ما همواره انداز کننده بودیم.

همانطور که عرض کردم خدا این انذار خود را به طرق مختلف بیان کرده است که بندگان من! مواظبت کنید، هشیار باشید، نکند از من دور شوید!

«#؛ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» در آن شب هر امری بر طبق حکمت پروردگار عالم تنظیم می‌گردد.

برخی از مفسرین، ذیل این آیه شریفه بیان فرمودند: این که در اینجا می‌فرماید در شب قدر قرار داده شده و روایات هم می‌فرمایند در دل شب احیا بگیرد، برای این است که خدا می‌خواهد بگوید: بنده من! مقدرات را هم به دست خودت قرار دادم.

شقی‌ترین افراد

لذا آن عارف بزرگوار، ملاحسینقلی همدانی (اعلی الله مقامه الشریف) فرمودند: شقی‌ترین افراد، آن کسی است که شبهای قدر را هم نعوذ بالله، نستجیر بالله به غفلت و گناه بگذراند.

خدا دعوت می‌کند و می‌خواهد او هم باشد، اما او حتی این شب را هم غافل باشد و گناه کند، وامصیبتا!

شب تقدیر، شب قضا و شب امضاء

حضرت صادق القول والفعل، امام جعفر صادق فرمودند: «#؛ فِي لَيْلَةِ تِسْعِ عَشْرَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ التَّقْدِيرُ، شب نوزدهم همه امور و مقدرات رقم می‌خورد، «#؛ وَ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ الْقَضَاءُ، در شب بیست و یکم آن قضای الهی برای انسان ترسیم می‌شود. «#؛ وَ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ إِِبْرَامُ مَا يَكُونُ فِي السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا لِلَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَنْ يَقْعَلَ مَا يَشَاءُ فِي خَلْقِهِ، اما در شب بیست و سوم شب امضاء و توقیع است. این توقیع و امضاء هم به دست حجت خدا و خلیفهاالله است که شب بیست و سوم مهمتر از دیگر شبهاست.

راه نزدیک کردن فاصله انسان تا جنت

وجود مقدس ثامن الحجج، قبله ایران، آقا علی بن موسی الرضا (صلوات الله و سلامه علیه) می‌فرمایند: «#؛ إِنْ الرَّجُلَ لَيَكُونُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْجَنَّةِ أَكْثَرُ مِمَّا بَيْنَ الثَّرَى إِلَى الْعَرْشِ لِكثَرَةِ ذُنُوبِهِ، بین انسان و جنت، به خاطر کثرت گناهانش، فاصلهای به اندازه فرش تا عرش می‌افتد.

اینقدر گناه می‌کند که خدا او را از بهشت دور می‌کند، فقط یک چیز، او را نزدیک می‌کند، آن چیست؟ «#؛ فَمَا هُوَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ نَدَمًا عَلَيْهِ حَتَّى يَصِيرَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهَا أَقْرَبُ مِنْ جَفْنِهِ إِلَى مُقْلَتِهِ، انسان از ترس خدا گریه کند.

اولیاء خدا می‌گویند: «#؛ حَشِيَّةِ اللَّهِ» به معنی این نیست که کسی از خدا بترسد، بلکه یعنی این که انسان بترسد که دیگر به خدا نزدیک نشود. یعنی بترسد که خدا او را دیگر راه ندهد و از گردونه بندگی خارج کند.

لذا می‌فرمایند راه نزدیک کردن آن فاصلهای که به خاطر گناه افتاده این است که انسان از ترس دور شدن از خدا و به خاطر پشیمانی و ندامت، طوری گریه کند که اشکش جاری شود. دیگر جنت خدا حتی از سیاهی داخل چشم به او نزدیکتر می‌شود.

خدا می‌گوید: انسان بیا، ناله کن، اشک بریز تا من تو را بخرم و این دوری را با ناله و سحرخیزی و اشک نزدیک کن.

تنها زمان آشتی با دل خدا در دل شب و راه آشتی کردن، ندبه و فغان و اشک و ندامت و اظهار عجز در سحرگاهان است.

آمدن ما در دل شب و به خصوص لیالی قدر برای این است که بگوییم: خدا! ما جاهل بودیم، ما که دشمن نیستیم، از روی جهل، گناه کردیم. حالا هم آمدیم بگوییم پشیمانیم. هم پیش شما خجیم و هم پیش آقا جانمان، امام زمان. مدام صدا می‌زنیم: «#؛ اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ» اما وقتی اعمالمان را می‌بینیم شرمندهایم! لذا امشب آمدیم این ندامت را با این ناله و فغانها اعلان کنیم.

عزیز من! امشب در خودت باش، به یاد امام زمان باش، صدقهای کنار بگذار و فکر نکن رفیقت کنارت هست، اگر احساس خجالت میکنی به جای دیگری برو ولی در جمعیت باش و دستت را بالا بیاور و ناله و فغان کن.

الآن ملائکه فوج فوج می‌آیند و جایی هم بیشتر می‌آیند که اشک و ناله و فغان بیشتر باشد. ملائکه می‌آیند بالهایشان را به این اشکها می‌مالند. چه در این اشک نفهته شده که این قدر نورانیت و شفا و قدرت دارد؟!